

دموکراسی و حقوق بشر در معادله ی قدرت!

امپریالیسم آمریکا بازی ضدبشری سلطه گری اش را در لفافه ی استقرار دموکراسی در خاورمیانه و از طریق توسل به زور و شانتاژ، پیش می برد و در آستانه ی انتخابات در عراق تهدید آمریکا نسبت به ایران شدت یافته است. طبق ادعای اخیر سیمور هرش روزنامه نگار معروف آمریکائی، ارتش آمریکا خود را آماده ی حمله به تاسیسات اتمی و نظامی ایران در 35 منطقه، می کند. این امر می تواند جنگ خانمان سوز دیگری را در خاورمیانه و در ابعادی به مراتب شدیدتر از جنگ در عراق بر مردم ایران تحمیل کند. مردم جهان در 4 سال اخیر چهره ی واقعی این دموکراسی طلبی و هواخواهی از حقوق بشر دولت آمریکا به رهبری بوش را تجربه کرده اند، که تنها در عراق به نابودی بیش از 100 هزار انسان و ویرانی آن کشور انجامیده است.

از چنگال لاشخوردموکراسی امپریالیستی پیوسته خون چکیده و تا مرگ این نظام نیز خواهد چکید و قربانیان آن هم بی تردید، مردم تحت استثمار و ستم جهان خواهند بود.

نوکران امپریالیسم در عراق این روزها سرگرم به راه انداختن بازی انتخابات در زیر چکمه ی سربازان ارتشهای متجاوز امپریالیستی، هستند تا دموکراسی اهدایی بوش و امثالهم را بر ویرانه ای به نام عراق به ارمغان آورند! تعدادی از احزاب بورژوازی و خرده بورژوازی که در 1.5 سال اخیر در عراق مثل قارچ ظاهر شده اند، در زیر حمایت شهریار و اشنگنتی شان، سخت سرگرم معرفی کانیدها هستند و امپریالیستها در اروپا و آمریکا و استرالیا و حکومت ایران، برای رای دهی 1.5 میلیون پناهنده ی عراقی، امکانات فراهم ساخته اند. کوه تبلیغات انتخابات در عراق، احتمالاً به زودی موشی از نوع افغانی نیز در این کشور خواهد زائید و دموکراسی خون چکان اهدایی بوش در کسوت دولتی دست نشانده، خود را عرضه خواهد کرد تا ادامه ی اشغال عراق را قانونی نماید! اما سرنوشت عراق در جای دیگر، یعنی در مبارزه برای بیرون راندن اشغالگران، رقم می خورد.

در ایران نیز حاکمین این روزها سخت سرگرم تعیین نامزدهایی برای انتخابات رئیس جمهور در خردادماه آینده هستند تا دموکراسی و حقوق بشر اسلامی شان را که چیزی جز سلاخی دموکراسی و حقوق بشر در اوایل قرن 21 نیست، عرضه کنند. کم نیستند احزاب فرمایشی ایرانی، که در این خیمه شب بازی شرکت فعال دارند!

قانون بازی در همه جا یکی است: استفاده از رای همه گانی برای حفظ قدرت و امکانات سرکوب در دست طبقه ای که چون زالو باید به هر قیمتی که شده است بر مردم کارگر و زحمت کش حکم براند و ثمره ی کار آنها را بکشد. اما بخش بزرگی از بورژوازی و اقلیت بالای خرده بورژوازی به ظاهر در اپوزیسیون رژیم جمهوری اسلامی ایران نیز از این بازی دور نمانده اند. آنها در هم صدایی با امپریالیستها، به تحقق دموکراسی و حقوق بشر نوع آمریکائی در ایران اما از طریق برگزاری رفراندوم دل بسته اند و سروصدای تبلیغاتی شان گوش عالم را گر کرده است! آنها گوش به هیچ استدلالی نمی دهند. زیرا که امپریالیستها را حامی حرکت خود می دانند و پشتشان فرس است و سینه چاک دموکراسی غربی! آنها به علاوه کلمه ای در رد تهدید نظامی آمریکا بر زبان نمی رانند. از این که رژیم اسلامی حاضر نیست دو دستی و به این آسانی حکومت را تقدیم حضرات بکند و حتا کوچک ترین مخالفت از جانب خودی هایش را نیز تحمل نمی نماید؛ از این که به فرض برگزاری رفراندوم و افتادن حکومت به دست این جنابان تضمینی نیست که دموکراسی و حقوق بشر در ایران رعایت شود و مردم سرنوشت خود را خود به دست گیرند و غیره، صحبتی نمی شود. آنها نمونه ی کشورهای غربی را در برابر خود دارند که گویا در این کشورها مردم به برکت انتخابات، حاکم هستند. در حالی که اگر مردم در این کشورها حاکم بودند از حفظ ارتش، از تجاوزگری و از غارت دو قرنی کشورهای جهان سومی اثری نمی ماند و مردم خود این کشورها نیز در بی کاری، عدم امنیت شغلی و افزایش روزمره ی شکاف طبقاتی و گسترش فاصله میان فقر و ثروت با دلهره نمی زیستند و همه از امکانات عظیم تولیدی این کشورها به طور عادلانه بهره مند می شدند!

در انقلاب بهمن 57، شعارها اساساً حول رفتن شاه بود و شیخان ریاکار مردم را امیدوار کردند که بعد از رفتن شاه همه چیز بر وفق مراد مردم خواهد شد و دیگر کسی اجاره خانه، پول برق و نفت نخواهد داد و زندانهای شاه به مدرسه تبدیل خواهند شد و دیدیم که چه حکومت ضدانسانی بر مردم تحمیل شد. اما اکنون، متمدن شده ها متوجه شده اند که تشویق مردم به سرنگونی قهرآمیز رژیم خطرناک است و شاید شیرازه ی کارها از دستشان در رود و لذا روش مسالمت آمیز را مود کرده اند و در مضرات انقلاب داد سخن می دهند. ضمن این که در کنار این وضع امپریالیستها بمبهای 10 تئی خود را آماده می کنند تا اگر کار به طور مسالمت آمیز جلو نرفت، آنها عقب نیافتند و تدارک همه جانبه ای را برای روی کار آوردن رژیم دست نشانده ی خود در ایران از قبل دیده باشند...

اما منطق مردم تحت استثمار و ستم ایران چیز دیگری است. آنها در میدان مبارزه ی رو در رو با رژیم قرار دارند و مصمم هستند حقوق پایمال شده شان را به دست آورند. در آستانه ی سالگرد گشتار کارگران مجتمع مس خاتون آباد، مبارزه ی کارگران نساجی در کردستان و در ایران خود رو، در دفاع از حقوق هم زنجیران خود، راه درست مبارزه را نشان داد. معلمان و پرستاران هر روز عمیقتر درمی یابند که تنها راه کسب حقوق شان، اتحاد و هم بسته گی سراسری در مبارزاتشان می باشد. صدای اعتراض و مبارزه روزنامه نگاران و نویسندگان بلند شده و رژیم را وادار به برخی عقب نشینیهایی نموده است. اعتراضات علیه سنگسار، علیه اعدام و به ویژه اعدام جوانان و نوجوانان بیش از پیش

رژیم را در تنگنا قرار داده است. اگر این مبارزات روزی با اتحاد کلیه ی کارگران و زحمت کشان تبدیل به سیل بنیان کنی گردند، دیگر نه از رژیم اسلامی قرون وسطایی اثری می ماند و نه بعد از انجام دو انقلاب در اوایل و اواخر قرن بیستم، سر اکثریت مردمی که سازنده گان اصلی نعمات مادی و معنوی جامعه ایران هستند، بی کلاه خواهد ماند و نه سروکله ی امپریالیستهای اخراجی برای غارت مجدد در سطحی وسیع، دوباره پیدا خواهد شد.

کارگران و زحمت کشان ایران و کلیه ی نیروهای سیاسی انقلابی و دموکراتیک باید علیه هرگونه مداخله ی امپریالیستی در ایران به پا خیزند؛ برای براندازی رژیم جمهوری اسلامی حامی سرمایه داران بیش از پیش صفوف خود را متحد و یک پارچه نمایند؛ و کلیه ی تشکلهای و افرادی را که برای جلوگیری از قیام قهرآمیز توده ای نسخه ی بدلی رفراندوم را به دنبال شکست پروژه ی اصلاحات، ارائه می دهند و مبارزات مردم را به بی راهه ی جدیدی می خواهند بکشانند، رسوا سازند.

مرگ بر امپریالیسم، مرتجعین حاکم و عوامل مزدور آنها!
انقلاب قهرآمیز، استقرار حکومت شورایی و سوسیالیسم تنها راه رهایی مردم ایران است!
چاره ی رنجبران وحدت و تشکیلات است!

27 دیماه 1383 _ حزب رنجبران ایران